

نویسنده : رحیم کاکایی

استه تیک و تخیل هنری در ادبیات کلاسیک ترکمن

جناح دمکراتیک

هنر در زندگی واقعی و در تپش دردناک هستی خود بگونه ای رازناک قهرمانان بسیاری را بر روی همین زمین سخت پرورش داد. قهرمانانی که هر کدام از آنها در مراحل تاریخی معین و دردورانی که چرخش تاریخ چرخشی دلگیر و کدرناک بود، بر تکامل و بالندگی اخلاق انسانی و نبرد علیه ضرورت را نشان دادند و آرمان های مرفقی خود را همپای با توفش واقعیت زندگی بیرون هماهنگ کردند.

در هنر اثر هنری راستین همواره نشانی از روحيات ملی و دوران تاریخی معینی وجود دارد که هم نگارگر آرمانها و آرزوهای والای اجتماعی و انسانی است و هم بیانگر نبوغ آفرینشگری، خلاقیت هنری به همراه تخیل انسانی و بالندگی عاطفی در روند کار هنرمند و جهان بینی وی در شرایط جامعه مشخص و برآورد پاره ای از نیاز های آن جامعه در محدوده خود است.

جهان، جامعه و انسان در حال تغییر و دگرگونی است و به پیروی از آن و در عین حال این تغییر و دگرگونی بازتابگر نیازهای مادی و معنوی انسان نیز هست. این تغییر و هماهنگی در تاریخ بشری همواره شالوده هنر و ادبیات در تنوع شکلی بیان و بازتاب هنری زندگی بوده و هست. هنر و ادبیاتی که همراه با احساسات و عواطف انسانی و با پژوهش انسانی حقیقت بمتابه یک نیروی خلاق برای ایجاد خلاقیتی نو و ضرور در جامعه و زندگی است.

هنر و ادبیات وام دار جامعه است. عواطف و احساسات انسانی و هدف معین اجتماعی در آن در کار و زندگی اجتماعی تبلور می یابند. در اینجا است که انسان از راه هنر خلاق نه تنها به درون جامعه و مناسبات انسان ها بلکه به جهان طبیعت نیز رخنه می کند، جهانی که آنرا مادر انسان خوانده اند. این هنر خلاق آینده را نیز از این راه خلق می کند.

هنر بدون قهرمان هنری (نه قهرمان سازی فردی) هنری وهم زا است. در ادبیات مرفقی، جهان دورنی قهرمان متشکل از نیروی اجتماعی است. زیرا هم سرشت اجتماعی دارد و هم پویا است. در این پدیده مرفقی عنصر مسلط اجتماعی در چهره شخصیت های داستان یا قهرمان داستان به تصویر کشیده میشود.

احساس استه تیک (زیبایی شناسی) در هنر و ادبیات شکلی ویژه ای از احساس درون تاب است که از اندیشه ی نویسنده اثر و یا اثر هنری جدا نیست. احساس استه تیک واقعیتی است که با مغز و عاطفه هنری نویسنده در آمیخته و در آن زمان و مکان مرئی است.

استه تیک ویا آفرینش زیبایی شناختی در هنر مستلزم هماهنگی بین عناصر تشکیل دهنده یک پدیده هنری یا شی مورد نظر است. این حس چهره پرداز نیرویی است که نگاه انسان را به موضوع ویا پدیده ی تصویر شده دقیق و ژرفش ادراک انسانی وپیدایش یک نیروی خلاق را برمی انگیزد.

تخیل هنری واسته تیک نویسنده وشاعر پای در واقعیت دارد. به سخن دیگر شکل ویژه ای از باز نمود واقعیت است که در شکل موجودی اجتماعی درک میشود. از این رو است که شاعر ونویسنده خلاق بگونه ای جدی وبارخیز به روند واقعیت بیرون میخواهد تاثیر بگذارد وناگزیر است از این ویا آن جریان اجتماعی جانبداری کند.

این امر خود نشاندهنده گرایش است که شاعر وهنرمند در فرآیند ادراک واقعیت بیرون منعکس می کند واز راه این بازتابش است که اندیشه وآگاهی خود را به محک تجربه اجتماعی وتاریخی انسان می گذارد واز دل آن نیز پرسمان های استه تیکی اثر با شکل ویژه شناخت جهان واقعی بیرون می آید.

هرگاه این پرسمان های استه تیکی با مناسبات اجتماعی، طبقات وآرمان های آنها، با اندیشه های مترقی ونیروهای تاریخی مربوط به آن پیوند تنگاتنگ داشته باشد، به غنی آن نیز افزوده میشود. زیرا هنر مترقی هرگز خصم تغییر وبهبود بنیادی جامعه نیست ونبوده.

دریک جامعه طبقاتی بدون ایدئولوژی بدشواری میتوان دارای آگاهی طبقاتی شد. تفکر خود پروسه ای ایدئولوژیکی است. تفکر درست منتزع از ایدئولوژی وهنر نیست.

تخیل در هنر خود بخشی از گوهر و سرشت هنر است. وروند اندیشه برپایه تخیل ماهیتی تعیین کننده در هنر وسنجش های زیبایی شناسی دارد. تخیل بدون موضوع تخیل وجود ندارد، اما موضوع تخیل خود بدون تخیل وجود دارد. شعور در تخیل تابع موضوع تخیل که آنرا همان واقعیت بنامیم است که سبب شکل گیری احساس، دریافت، تفکر وشناخت میشود. تخیل بر واقعیت بیرون اتکاء دارد وشکل خاصی از باز نمود واقعیت است، نه فراتر از آن.

اینکه تخیل میتواند در تعمیم های بدوی وجود داشته باشد سخنی در آن نیست. اما چنانچه برواقعیت اتکا نکند، شکل وکنش خاصی از بازتاب واقعیت نباشد وفراسوی آن برود، شالوده وفرآورد آن ذهنیت صرف و وهمناک است وپای در واقعیت بیرون ندارد. تخیل حداقل باید به چیزی که در زندگی اهمیت دارد اشاره ای بکند، حال این چیز میتواند رویداد ی تلخ، شیرین ویا مسئله ای دارای اهمیت باشد که خارج از اراده تخیل کننده است.

آثار شاعران ونویسندگان ادبیات کلاسیک ترکمن زیباترین رستنی در زمین سخت آن روزگار بود که به درختی تنومند فرا روید ویا شهد واژه های هنری رستاخیزی غوغا برانگیز در جامعه چکاند وهمچون نسیمی لطیف، سبک بال ونیروبخش بر فراز جامعه ی پرنقش ونگاران روزگار درگشت وگذار شد تا زندگان ارزش زندگانی بدانند.

شاعران و نویسندگان ادبیات کلاسیک ترکمن جناح مترقی و دمکراتیک در جستجوی گوهر زیبایی انسان و کمال بخشیدن به بلندپایگی او و زیستن شرافتمندانه را به زیستن حقارت آمیز درسرای میهن خود ترجیح دادند. آزاده جانانی که با بانگ بلند دادخواهی خود سردر پای حقیقت زندگی سپردند و علیه اشباح پلشت و تهوع انگیز زندگی، علیه سالوسان و سخنگویان اجتماعی فریب و زهرآگین کنندگان پاک ترین احساسات انسانی با دلی شیدا و آزاده رزمیدند.

روان نیرومند این شاعران و نویسندگان در برابر یکرپی روان، شرریار و خودکامه شاهان و امیران فرومیه و جنون شریرانه آنها قرار داشت. شاعران مترقی ترکمن فرزانه‌گانی در برابر فرزانه نمایان روزگار خود بودند. هنر این شاعران ایدئولوژیکی نبود. اما نشات گرفته از ایدئولوژی بود. یعنی به گونه ای ایدئولوژیکی تفکر و اندیشه می کردند. ادبیات آنها ضد ادبیات حکام مستبد آن زمان بود.

هنروران این جناح دمکراتیک ترکمن خود در دوران هستی خود چکه ای شادکامی در زندگانی خود ننوشتند. در آثار شمار زیادی از آنان، نگارسازی، زبان و اسلوب هنری وابستگی شکل و درونه، بیشتر با مفهوم خود واقعیت بیرون همخوان است و بدور از عبارت پردازی های تهی است

شاعران و نویسندگان کلاسیک ترکمن جریان دمکراتیک، در کل به تخیل هنری، آسته تیک و واقعیات عینی اجتماعی ای تکیه میکردند که در جامعه زنده بود و عمل می کرد. واقعیات عینی اجتماعی ای که ستم انسانی در آن فرآورد مناسبات اجتماعی ناعادلانه حاکم در جامعه بود.

این روند هنری نه جدا از کیفیات مادی اجتماعی - معنوی بود و نه از واقعیات موجود تاریخی فراتر میرفت. این هنرمندان مترقی ترکمن محصول فراسوی جامعه نبودند. بلکه محصول و ثمره جامعه ی خود بودند و زبانشان زبان مردم. زندگی و جامعه در آن دوران و در شرایط تاریخی مشخص برای این شاعران جویس و پرسش بود.

از این رو در همه آثار آنان و در جزء جزء آن بطور کل به گونه ای هنرورانه عینیت جامعه و کیفیت ارزش آن بخش ذاتی و محسوس آن است. این هنرمندان در هنر خود به هیبتی درمی آیند که به لحاظ اجتماعی و تاریخی، زیبایی های موجود در طبیعت و جامعه را بدرستی مشاهده می کنند که این خود موجب رشد و تکامل احساس زیبایی شناختی انسان شده و هم روشنگر وحدت این نویسندگان به نسبت آگاهی آنان با طبیعت است.

سنگ محک آرمانهای آسته تیک شاعران و نویسندگان ترکمن، هنری انسانی و انسان است. این آرمان ها، آرمان هایی بسیار نیرومند بودند که در زمین سخت زندگی ریشه دوانده و همواره نه تنها در بطن تاریخ حضور داشتند و دارند بلکه از میان تراژدی ها نیز گذار می کنند.

این پیکارگران معنوی اجتماعی ویژگی های انسانی در انسان را که آزادی، برابری، پیکار در راه عدالت اجتماعی، حق انسانی زیستن، میهن دوستی، علیه شرارت شریران جامعه بودن را به همراه تخیل شاعرانه ی خود در جامعه پراکنده و آشکارا و با توصیفی فعال بنمایش در می آورند. این یعنی گرایش این هنرمندان به واقعیت

اجتماعی است، که با اندیشه های عامیانه اجتماعی فرسنگ ها فاصله داشت . آنها سرود نیک بختی انسان راستین و بیداری آن را به فرمان تاریخ سرودند.

گرایش استه تیکی این هنرمندان به طبیعت واستپ های بکره تنها زمین وحاصل زیبای سرزمین آنها بود، بلکه الهام بخش آثار آنان نیزشده است.نباید فراموش کرد که استه تیک آن بخش از کیفیات، خواص،ویژگی وارزش های زندگی واقعی است که هنرمند از راه ابزار هنری به حقیقت زندگی وارد می شود.

شاعران ونویسندگان کلاسیک ترکمن جریات دمکراتیک با واقع گرایی خود آنچه را که حس می کردند ودر جامعه ومحیط خود مرئی بود درکنشی استه تیکی وبهمراه تخیل هنری خود تبدیل به واژه کردند تا با این گاهواره ی واژه گان انسان آن روزگاران پاییزی بتواند جهان محیط خود، اجتماع ومناسبات بین انسان ها درجامعه را ازنومشاهده کند واز این راه به درک سرزمین پدري نزدیک ونزدیکترشود .درآثار این هنرمندان آرمان های نیک ، امید وترازدی درهم آمیخته اند.

این هنرمندان زندگی را درآثارخودبازتاب دادند.احساس آنان احساسی از آزمون انسانی دریونند با جوانب گوناگون هستی اجتماعی با اشکال متنوع ویژه خود است.احساسی استه تیکی که پایه ی آن برپاکیزگی اخلاقی یا اتیک استوار است وینا به گفته بلینسکی ، پاکیزگی اخلاقی بمثابه یکی ازشرایط ضرور در جایگاه والای انسانی است .ازاین روآماج این شاعران از اتیک- اخلاق واندرز، تقدس بخشیدن به زندگی بود.

پیوند این هنرمندان وآثار متنوع آنان با زندگی تنها پیوندی ساده با رویداد های رخ داده در جامعه نیست، بلکه تلاش هنرورانه آنها در بازتابش چگونگی زندگی بهتردرپیوندبا فرهنگ معنوی که درجامعه حاکم است بود.نویسندگان کلاسیک ترکمن جناح دمکراتیک با آموخته ها وآموزه هایی که از پیشینیان خود به ارث برده بودند به زندگی وجامعه ورود کردند وازاین راه به آیندگان وبه حلقه ی تکامل ادبیات درعصرخود ودرمحیط جغرافیایی خود ونیز به فرهنگ تکامل ادبیات جهان یاری رساندند.

این هنرمندان خواسته ها وآرمان های خود را درشکلی مشخص با ذهنیت خلاق ونو وبا تجلیاتی نو از زندگی درشکل اجتماعی آن بازتاباندن.الگویی که این هنروران ازهستی واقعی وزندگی اجتماعی ارائه میدهند نه تصورذهنی ازجهان واقعی، نه درون نگری صرف ، نه تحریف واقعیت ونه بد شکل نشان دادن واقعیت هستی است بلکه الگویی است درخدمت جامعه ومردم.

چنانچه ما با گروه گرایی موافق نباشیم ، آثاراین هنرمندان ترکمن درشاهراه ادبیات جهان ودرروح انترناسیونالیسم وسنتهای آن اثری بسیار مثبت برجای گذاشته است.دراساس،آثار این بزرگان ومحتوای موجود درآن گرچه دریونند با سنن ملی هنراست وریشه ملی دارد وبه مکان معینی مربوط ودر شرایط خاص تاریخی - ملی است، اما محدود به مکان یا زمان معین هم نیست، زیرا محتوا ودرونه آن برای بشریت مترقی ودردهای مشترک انسان درجامعه های گوناگون، جوامعه هایی که درآن بیداد بود ومیهن درخطر، نیزآشنا است.

شاعران و نویسندگان کلاسیک جناح مترقی و دمکراتیک ادبیات ترکمن در آثار خود نه کپی برداری کورکورانه از زندگی و واقعیت های آن کردند و نه نگرش هنری به زندگی داشتند. سروده ها و نوشته های آنان نه مصنع است و نه ساختگی بلکه سرایشی واقع گرا، زنده و انسانی از زندگی و جهان در شرایط مشخص تاریخی است.

آنها با روان نیرومند خود چیزی نو را به تاریخ ادبیات ترکمن ارائه دادند. این نویسندگان هنرمند و متفکر، با نگرش های فلسفی، اخلاقی و مذهبی مربوط به خویش توانستند به درون روندهای متنوع اجتماعی پرتضاد رخنه کنند و پرسیمان هایی را ارائه دهند که وجه مشترک آرمان ها و دردهای بشریت در آن دوران و دوران های سپسین است. یعنی در عین حالی که در شرایط تاریخی خاص در مکانی خاص است، ولی بمثابه یک هنرمند چیزهایی را دیدند، شناختند و حس کردند که شکلی عام دارند.

تخیل هنری و آسته تیک این هنرمندان فرای جامعه و مکان نبوده و نیست. واز این روتوانست عواطف انسانی بسیاری از توده ها را برانگیزد. این آن نقش سترگ این هنر در میان مردم است. هنراین نویسندگان هنری بود دارای ابتکار و فرآورد آن ادبیات زنده و مبارز در رخدادها و سوگنامه های زنده اجتماعی است و نوعی پاسخگویی را در برابر مردم ارائه میداد.

اندوه عشق، زیبایی اخلاق و مهرورزی به انسان و انسانیت

محتوای فکری، روانی و عاطفی نویسندگان و شاعران ادبیات کلاسیک ترکمن جناح دمکراتیک توانست تصویر عمیق تر و توصیف نافذتری در آسته تیک و تخیل هنری نسبت به عصر خود درباره مقولات عشق، آزادی، اخلاق و انسان دوستی ارائه دهد. در مجموع، حس عشق جان نواز این هنرمندان فرآورد زندگی واقعی است، احساسی است که بالندگی آن از دنیای واقعی و اشکال و الای فعالیت معنوی انسان سرچشمه گرفته و نتیجه نهایی و محصول عصاره همه تاریخ تکامل بشر است. اندوه عشق در آثار این شاعران و نویسندگان به وضوح دیده میشود.

عشق و موضوع آن در آثار نظم، نثر و غزل شاعران و نویسندگان ترکمن فنا ناپذیر است. هم بیانگروه هم منبع زیبایی و ظرافت درونی انسان، هم احساس همواره انسانی و متاثر کننده است و هم بیان اندوه ها، شادی ها و هم نشان از روحی آزرده و قلبی رنجور و مجروح است. در غزل های عاشقانه این شاعران هنر نمایشگر انسان گرایی است که عشق بدان دست یافته و دارای ظرایف و معیار های اخلاقی است. این معیارها دارای اهمیت آسته تیک و اتیک است.

هنگامیکه مختومقلی در هنر خود تلاش می کند مفاهیم پراهمیت موجود در زندگی را بیان کند تلاش می کند در زندگی اجتماعی به گونه ای واقع گرایانه نشان دهد چه چیزی خوب و چه چیزی نازیبا است. او احساس زیبایی شناختی موجود در آثارش را با اخلاق و آموزش عجین می کند؛ میهن و ملت خود را بیش از هر چیز مقدس میداند؛ اتحاد انسان ها و دوستی بین آنها را طرح میکند؛ علیه ظلم و ستم است.

برای برابری زنان با مردان اندیشه می ورزد وعلیه نگرش فنودال مابانه به این امر است؛ از زیبایی های زندگی سرمشق میگیرد و عشق به کار و احترام به آن را پاس می دارد و به پاکی انسان را می ستاید وعلیه ریاکاری است و برای حرمت به شخصیت انسانی و ارزش به انسانیت عبارت « یاغشی نیت یاریم دولت) - نیت وهدف نیک بمثابه نیمی از ثروت معنوی است «(را طرح می کند،

یا علیه فقر و نابرابری اجتماعی موجود در جامعه فریاد برمی آورد «:کیم نان تاپماز ایماگه، کیم تیرمه وشال گوزلر-آنکس که نانی برای خوردن یافت نمی تواند، آنکس درپی ترمه وشال است «و یا از تناسبات دوستی بین انسان ها و اتحاد آنها سخن بمیان می آورد، هدف وی جدا کردن این مسائل از زندگی اجتماعی نیست بلکه آنها را در همان زندگی اجتماعی می خواهد.

هرچند همه این باورها با « ایده آلیست «بودن او و یا عقاید فلسفی و عرفانی و حتی «بدبینی» او هم به همراه باشد، اما هنر نهفته در آثارش واقع گرایانه ، دارای خوش بینی بزرگ تاریخی و انسان گرایی دمکراتیسم بود. اشعارش اصیل است و افکار دمکراتیک او حیرت انگیز. درخوش بینی تاریخی او انسان نقش عمده ای دارد و الهام او الهامی خلاق است.

شاعر ملانفس که فرآورد هنرش در شرح عشق است، درد ورنج مردم فقیر و بی عدالتی نسبت به مردم را روا نمیدارد. به همراه تحولات عینی زندگی خود نیز تحول می یابد و به شخصیت سیاسی و انقلابی تبدیل میشود. او با سری بلند هوادار زندگی، علیه خواردارندگان انسان است و خفت را هرگز برنتابید.

و یا شاعر سید نظر سیدی که نگاشته های عاشقانه او در گذر زمان به ترانه های فولکلوریک مردم درآمدند، درباره انسانیت و میهن دوستی چنین واژگانی را به تصویر می کشد «: به آفریدگار سوگند که از نامردمان نیستم، آتشی فروزنده ام که خاموشی در آن نیست. برای مردم از جان شیرین خود خواهم گذشت. در راه میهن سوار بر مرکب قیرات ام، تا جان در راه میهن ندهم بر نخواهم گشت.»

شاعری دیگر قربان دوردی ذلیلی است. او که میهن دوستی انسان گرا و خود در فقر و شوربختی میزید، چنین مینویسد «: ذلیلی آنک سخن بگو آنچه میدانی. بر زیانت روان نشود مبادا دروغ و باوه ، آنکه شد بنام خلق عاشق، ز بهر دنیا اندوه در دلش نباشد، ... مسکینان فنا میشوند، در بیک و خان انسانیتی نیست.» و ویژگی عمده نگاشته های این شاعر در آثار خود وجود ساختار و مضامین رزمی و حماسی آن است، که الهام بخش مبارزات مردم علیه خودکامان زمانه بود. او شاعر عمل بود .

نور محمد عندلیب شاعری که خود روایت گرمی منظومه لیلی و مجنون است. هنرمندی آگاه از محیط خود و علیه مناسبات ناعادلانه طبقاتی است. او در لیلی و مجنون با نگرش ملی خود به این اثر علیه انکار کنندگان عشق و آزادی است و انسان را در جایگاه والا ای قرار میدهد. شاعر محتاجی (ماتاجی) میهن دوست است و از عشق میسراید و باور به نیروی اخلاقی و زیبایی، دوستی و خوشبختی انسان دارد. شعرهای او در وصف طبیعت میهن خود و غزل های عاشقانه اش که در آن اندیشه و احساس عمیق استه تیکی نهفته، خود در میان مردم بسیار برجسته است. او نیز

با محرومیت و فقر در زندگی دست و پنجه نرم کرد اما هرگز از اهداف معنوی و انسانی
هنر خود دست نکشید.

این هنرمندان متری و دمکراتیک ادبیات کلاسیک ترکمن بسته به ادراک، حس
عاطفی، تخیل هنری و تجربه ی خود در شناخت خود از واقعیت بیرون بصورتی بالقوه
درواقعیت مداخله می کنند و به همراه تفکر فلسفی خود امکان چیرگی آرمان خود
بر علیه ضرورت را آشکار کرده تا امید های انسانی را برانگیزند.

چنانچه در ادبیات فوق می بینیم حس عاطفی و درونی این هنروران نسبت به درک
واقعیت بیرون همانند ویکسان نیست. اما آنها از واقعیت بیرون و مقتضیات آن جدا هم
نیست و با اشکال متنوع ولی همناوا به یک پدیده اجتماعی که با نیاز زمانه
هماهنگی داشت، اشاره می کنند.

در اساس، ستایش عشق، انسان گرایی با بیانی واقع گرایانه، کشش و جذابیت
عشق در لیلی مجنون عندلیب، میهن دوستی، انسان گرایی و علیه حکومت
خودکامه و فئودال بودن در اثر دیگرش بنام یوسف وزلیخا، در زهره و طاهر و در اشعار
غزل وار ملانفس موضوع عشق، زیبایی، مهرورزی به انسان جوهر درونی آن است
و هواخواهی از حقوق زنان و خوش بینی تاریخی و دمکراتیسم موجود در آن از نکات
برجسته است که در آثار این شاعر ترکمن چهره می نماید.

در داستان های صاید همراه، زهره و طاهر، شاه صنم و غریب و هویر لوقفا
و همراه، عشق به همراه روحیات ملی نویسندگان آن با آنچنان واژگان شورانگیز و تکان
دهنده تجلی می کنند که این احساس واقعی در این اثرها با اثبات غرور انگیز عشق
بمثابه احساسی فراتر از احساس معمولی سخن بمیان می آید که در آنها معیار
های اخلاقی و اهمیت معنوی بیکران آن لازمه وجود عشق است.

شعرهای عاشقانه غزل وار کمینه که شاعری خلاق در ساخت طنز منظوم در
حیطه ی ادبیات ترکمن است. آثار او در عین سادگی خود، دارای انتقادات شدید
علیه نابرابری های اجتماعی است. وی می کوشد در اشعار و طنزهای خود
رویدادهای واقعی زندگی مردم برگشته بخت جامعه ی خود را بازتاب دهد. مهمترین
بخش اجتماعی آثار کمینه ستیز او با مالکان فئودال، افشای بیدادگری و جولان گری
های خودکامان بدنهاد و بدنژاد زمانه ی خود او است. کمینه جانمایه این بیدادگری
های را در آثارش بازتاب داده است.

عبدالله شاه بنده و داستان شاه بهرام، گل و بلبل اوکه انسان، زیبایی، نیروی خرد
و پیروزی نیکی بریدی، نیروی عشق و واقع گرایی و هنر غزلی اش سخت قابل
ستایش است.

این است سرچشمه وحدت این شاعران و نویسندگان ادبیات کلاسیک ترکمن
ورهیافت مشترک آنان به سوی واقعیت موجود در جامعه آن روز و اسلوب زیبایی
شناسانه آنان در هنرورخنه آنها به واقعیت از راه تخیل هنری با ماهیتی مشترک.

شاعران ترکمن، شاعران چکامه صداقت و وفاداری به مردم، شاعران صدجان فدای میهن بودند که خاری وطن ماتم گرفته خود را نمی خواستند. شاعران ترانه های آزادی، صلح و سعادت انسان در روزگاران پاییز بودند. دم آتشین گون عشق آنان همواره برمیهن شعله ور بود. خواست آنها نهفته ترین خواست بشری در همین زمین انسان بود.

نباید فراموش کنیم که تاریخ ادبیات و هنر هم تاریخ رشد خودآگاهی ملی وهم پدیده تاریخی - جهانی بشریت مرفعی است که به نسل های آتی در رشد و تکامل خود گذار کرده است. تحلیل نهفته در آثار این شاعران ترکمن از جامعه، مناسبات انسانی در جامعه، شالوده نابرابری های اجتماعی در آن و ناسازگاری آنان با این نظام نابرابری اجتماعی را نشانه می گیرد.

شاعران ترکمن در تخیل خلاق هنری و استه تیکی خود به بازتاب حقیقی شرایط اجتماعی، تنوع، بغرنجی و گاه تناقض جهان، خوش بینی تاریخی، انسان گرایی، به مسائل معنوی - اخلاقی مربوط به جوانب پرتنوع زندگی و رخدادهای دارای اهمیت اجتماعی در چشم انداز تاریخی، به بیان سیمای اخلاقی انسان تلاش کردند.

در آگاهی اجتماعی این شاعران انسان بمثابه عنصری دارای کیفیت زیبایی شناختی در حیات اجتماعی خود است که در امتداد جاده های پرپیچ و خم تاریخ، آینده به او تعلق دارد. انسان نقش اصلی، سازنده و قهرمان آینده است و در مرکز توجه قرار می گیرد. آنها تلاش کردند تا انسان را به جایگاهی والاتر بر خیزانند.

این شاعران از طریق تخیل هنری به شناخت جهان پیرامون و زندگی اجتماعی و مناسبات انسان ها در آن، نزدیکتر میشوند. از این رو است که هنر این هنرمندان جوهر و سرشت خود را در این شناخت پیدا می کند. تخیل هنری این شاعران همان تصور هنری آنان در شکل دیالکتیکی شناخت از جامعه، از انسان و مناسبات اجتماعی آنان است. یعنی آنچه را که شعور از جامعه بازتاب میدهد است و از واقعیت جهان خارج در شرایط معین تاریخی بیرون نیست.

این هنرمندان توقع و چشمداشت زمان و تاریخ را در آن مرحله معین برمی آوردند. در این راه تجربه اجتماعی، تاریخی هنرمند و انسان دارای اهمیت بسزایی در جهت شناخت است. معرفت استه تیکی که خود نوع خاصی از شناخت جهان واقعی است به تخیل هنری جایگاه خاصی را در این روند میدهد.

معرفت استه تیکی فعال است زیرا با نیازها و خواسته های آرمانی طبقات و گروه های اجتماعی رابطه دارد. هر قدر این رابطه عمیق تر باشد بهمان سان معرفت استه تیکی ژرفتر و غنی تر میشود.

ویژگی اساسی آثار شاعران ادبیات کلاسیک ترکمن جناح دمکراتیک، بازتاباندن و بازآفرینی هنری بخشی از واقعیت از نظرگاه هنر و ادبیات و تصویرگری تصور ذهنی آنان از جهان عینی به کمک تخیل هنری است. تخیلی خاص، معین و شکل دهی شده از مکانی خاص که نمیتوان با تخیل هنری دیگری در مکانی دیگر در آمیخت.

آنچه مهم و اساسی در خاصیت این تخیل هنری است این است که در مجموعه تخیلات هنری معین اعتبار دارد. تخیل هنری شاعر مختومقلی جای ملانفس را نگرفت. یا تخیل هنری کمینه جای شاعر ذلیلی و سیدی را نگرفت و برعکس. اما ماهیت آنها چون همه جانبه بود، دست در دست هم به حیات خود ادامه داد تا به مراحل نوین هنری در دوران نوین در شکلی نوین گذار کرد.

کار اصیل این شاعران گرچه در قیاس با جهان و در چشمزد تاریخی کوچک به نظر آید اما خود دنیای کاملی است. دنیایی که در آن مناسبات اجتماعی، ساختمان اقتصادی، روحیات و اخلاقیات را نمایانگر است و آنها را در برابر انسان قرار می دهد.

تخیل هنری شاعران ترکمن دارای محتوی عنصر ارزیابی نیز هست. عنصری که درباره واقعیت داوری می کند و به همین جهت هم جنبه هنری دارد و هم جنبه استه تیکی. از این رو نه تنها روی اندیشه بلکه روی عواطف انسان ها تاثیر خود را می گذارد. تخیلی که فاقد ضرورت بالا باشد، عاری از تخیل هنری است. تخیل هنری برای آنکه جنبه هنری بخود بگیرد، بلافاصله فلسفی کل را بوسیله جزء باید منتقل کند.

شاعران ادبیات کلاسیک ترکمن جناح دمکراتیک هر یک در آثار خود نظام واژه ها و هنجار های زبان هنری خویش را دارند و با این زبان است که توانسته اند هنر خود را انسانی کنند. هنر آنها تجلی گاه انسان و اجتماع در محیط و زمان معین است. هدف این شاعران نجات انسان از انحطاط انسان در یک نظام اجتماعی منحط است. آنها نماینده کوچکی از فرهنگ بزرگ جهان بودند.

خواسته ها و آرمان های آنان که در قدرت تفکر هنری آنان تنیده بود، بشردوستانه و بیانگر زیبایی حقیقی و آرمان های جامعه و طبقات است. این آرمان ها چونکه در پروسه تاریخ با نیروهای پیشرو هر عصری در پیوند تنگاتنگ بوده، ارزش ماندگاری خود را تا به امروز حفظ کرده اند. زیرا در سمت و سوی تکامل مداوم و پیوسته فرهنگ منطقه و جهان گام برداشته و به نقطه عطفی برای حرکت های مترقی اجتماعی - معنوی بعدی درآمده است.

در عرصه تخیل و استه تیک مثلا آنچه که به مختومقلی مربوط است آنطور که پیشتر گفته شد، با تخیل و استه تیک دیگر شاعران ترکمن منجمله ملانفس و یا کمینه و برعکس آمیخته نیست، اما تنوع همه آنها بیان یک واقعیت در جامعه با اشکال متنوع است که در تضاد باهم نبودند.

تخیل هنری و استه تیک خاص مختومقلی نشان میدهد که در زندگی او مسئله ای که برای او دارای اهمیت است را اشاره می کند و آنچه در زندگی بیرون و خارج از اراده ی او رخ می دهد برای او تلخ، اندوه آلود و نا انسانی است. استه تیک و تخیل هنری او که در اشعارش متجلی میشود، خود زندگی است که همه جانبه بمتابزه واقعیت تاثیر خود را گذاشته است و با شکلی باز آفرین شده و نو با پیچیدگی های خود در شکل هنری و بمتابزه عنصری اصلی، برجسته و ضروری گزیده شده است.

این همان نکته ای است که مختومقلی همه جانبه و بطور واقع گرایانه به آن پرداخته است. همه جانبه است زیرا واقع گرایانه است. استه تیک و تخیل هنری شاعران ترکمن مستقیم از جامعه با همه ی جنبه ها و سطوح آن است که در کل یک پدیده

واحد را با اشکال، ویژگی ها و کیفیت خاص خود ارائه شده. از این رو است که آثار آنان توانسته است عواطف انسان را بخود جلب کنند و بر روان ها و جان های گرسنه تاثیر خود را بگذارد.

تخیل و ذهن شاعران ترکمن ضرورتا تخیل و پندار های متعادل روند زندگی مادی آنان بود که وابسته به محصول شرایط مادی در جامعه است. یعنی این ذهن و تخیل همچون شکلی از شعور اجتماعی است که میتواند در تغییر ناگهانی زیربنای اجتماعی جامعه به راه رشد خود ادامه دهد. آنچه در محتوا و مضامین آثار این نویسندگان مطرح است انعکاس اجتناب ناپذیر تضادهای عینی اجتماعی است که از راه تخیل هنری و عنصر ذهنی برای دربرابر شعور اجتماعی گذاشته میشود.

نیروی تفکر هنری این شاعران در درون مجموعه تلاش هنری بشری است. به این خاطر که ضرورتا هنر آنها انسان گرا و بشردوستانه است و روند تاریخ در سمت و سوی اندیشه های مترقی آنها بود. هنر این شاعران در قیاس با تاریخ هر چند یک لحظه است ولی فراتر از این آن تاریخی است. هنر آنان هنر تخیل صرف و جادوی انسان ورهایی انسان از طلسمی نبود، بلکه بلحاظ تاریخی در پیوند با تکامل تاریخی هنر است.

شعور هنری این هنروران خود رهنمودی شد برای مردم در جهت اندیشه و عمل ، اتحاد احساسات آنها و نشاندهنده قدرت فنا ناپذیری این شاعران در عرصه ادبیات. انعکاس اشکال تخیل و شعور هنری آنان با واقعیت عینی و با بازتاب دنیای عینی تطابق داشت و هیچگاه آنها در درون خود و در جهان توهمات نجستند.

عنصر عمده ای که در آثار این شاعران و نویسندگان ترکمن در جناح دمکراتیک بطور کل دیده میشود آن است که تخیل هنری آنان با چیزی همسان است که دارای واقعیت عینی است. این همسانی سبب آن میشود که ویژگی های خاص واقعیت به همراه رشد و تکامل جامعه انسانی در مراحل گوناگون در آثار هنری این هنرمندان با واقع گرایی بازتاب یابد که آنها از محیط اجتماعی جدا نیست.

محیط اجتماعی ای که دارای مناسبات اجتماعی است و تضاد های آن بطور عینی بروز می کند. و همین عامل عینی بگونه ای عامل ذهنی در هنر رخنه می کند و هنرمند را و میدارد که نسبت به این مناسبات اجتماعی در جامعه و فراتر از آن نسبت به جهان تفکر و اندیشه کند. این اندیشه و تفکر که در نزد شاعران جناح دمکراتیک ترکمن در ادبیات کلاسیک با نیروی انتقاد از جامعه در شکل واقعی آن همراه بود، تبدیل به نیروی آگاهی و اندیشه اجتماعی میشود. امری که به جهان فکر، اخلاق و کارا کتر انسانی تاثیر گذار است و در روند تاریخ رخ داده که این نیروی آگاهی و اندیشه اجتماعی به نیروی مادی تبدیل شده، که عامل تغییر جامعه نیز است.

شاعران و نویسندگان ادبیات کلاسیک ترکمن جناح دمکراتیک ، هنرمندانی علیه ضرورت، علیه سرنوشت بودند. انسان هایی که تمامی شادی ها ، اندوه انسانی و بشری را در خود داشتند و هیچگاه از اغراق نترسیدند اما از دروغ هراس داشتند. تمام هم و غم اینان همان انسانی کردن هنر و حرکت بسوی آینده بود. واقع گرایی این شاعران و نویسندگان بمثابة پدران معنوی ادبیات کلاسیک ترکمن ، بنیان واقع گرایی ادبیات ترکمن در تکامل آتی آن شد .

محتوای اشعار شاعران کلاسیک ترکمن که منبع آن زندگی واقعی و بیرون بود، نوعی تخلیه عاطفی ویا ارتعاشات احساس ویا تنش روانی نیست، بلکه این محتوا هماهنگی مادی و معنوی با زندگی داشت و در خدمت زندگی و توده های مردم بود. آثار نویسندگان و شاعران ترکمن به تجربه و احساس انسان در زندگی رخنه کرده و به آن یاری می کند. نه اینکه انسان را مجذوب رویاهای گذرا کند و به خواب برد.

هنر واقع گرای وزنده این شاعران آنتی تزی بود در برابر سم انحطاط هنری زنده که حقیقتا هنری انسانی خلق کرد. شاعرانی که بر انحطاط خود پیروز شدند. شناخت درست واقعیت و نفس آن، تخیل و استعداد ترسیم درست آن و همچنین عدم شکاف بین استعداد و واقعیت عینی، کارمایه بلورین در زندگی واقعی بود. این شاعران همچون نگینی در ادبیات ترکمن درخشیدند.

زبانی که آنها از آن استفاده کردند زبانی است سرشار که جدا از فرهنگ ملی آنان نبود. قهرمانی و از خود گذشتگی را ارج می نهادند، به زندگی عشق می ورزیدند و شاعرانی اجتماعی بودند. تصورات آنها از واقعیت پیرامون، تجسم های خیالی و انتزاعی نبود تا میدانی برای پرواز بسوی مرزهای پندارهای واهی باشد.

آنها مواد زنده واقعیت، باز نمود تاریخی و عینی زندگی را به تصویر کشیدند. انتقاد آنان از جامعه انتقاد با الهام اجتماعی بود، آنچنان که رمانتیسم مترقی چنین کرد و خود به بخشی از جریان تکامل فرهنگ بشری تبدیل شد و بسوی پیوندی عمیق به انسان و انسانیت سمت دهی کرد.

موضوع عمده ویا اعتراض اساسی در آثار همه این هنرمندان جناح دمکراتیک ادبیات کلاسیک ترکمن، مخالفت با شکل و مناسبات اجتماعی حاکم و کهنه در جامعه و برآورد نشدن خواسته های طبیعی مردم از سوی این جامعه کهنه است.

در آثار این نویسندگان زندگی و هستی اجتماعی موضوع تحلیل و ترسیم است. از همین رو انسان، محیط و شرایط اجتماعی از محتوا و درونه آن جدا نیست بلکه در تاثیر متقابل قرار دارند. حضور ستم و ظلم در تمامی روند های زندگی از سوی حکام مستبد، خود تهدیدی جدی بود بر شخصیت انسان ها و تباهی احساسات توده ها. از این رو بسیاری از شاعران و نویسندگان ترکمن جناح دمکراتیک خود در مبارزات علیه خان ها و امیران حاکم بر منطقه با انگیزه های میهن دوستانه و عدالت جویانه رزمیدند.

این شاعران و نویسندگان ادبیات کلاسیک ترکمن جناح دمکراتیک و مترقی اشکال و آرمان های هنری خود را از زندگی زنده در جامعه گرفتند و این به آن معنا نیست که هر اثری که از زندگی گرفته شود، بازتاب یافته ی واقع گرایی نامیده شود، بلکه منظور بازآفرینی واقعیت یعنی واقع گرایی در هنر است.

محیط اجتماعی محرک عمده مبارزات اخلاقی - اجتماعی نویسندگان ادبیات کلاسیک ترکمن بود و برای نخستین بار در این ادبیات توده های مردم نقشی چنین مهم برای پیشبرد مفاهیم استه تیک و تخیل هنری ایفا می کنند.